

۱۲

بجوئے العزیز



مرحوم آية الله العظمى
آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی
رحمة الله عليه



ولادت آن مرحوم

مرحوم آية الله سيد محمد كاظم^۱ یزدی فرزند مرحوم میر عبد العظیم به سال ۱۲۵۶ (طبق نقل فوائد الرضویة^۲ از تکمله سید صدرالدین) در سال ۱۲۴۷^۳ (بر اساس نقل صاحب اعیان الشیعة و صاحب اختران تابناک) در روستای کسنویه یزد در خانواده ای مذهبی و کشاورز بدنیا آمد.

پدرش گرچه کشاورز بود ولی بسیار علاقه داشت که فرزندش درس بخواند و در سلک اهل علم درآید علاقه پدر و توفیقات الهی و اشتیاق خود آن مرحوم، ایشان را به مدرسه دومناریزد کشاند و به تحصیل علوم ادبی واداشت.

تحصیلات و اساتید

ایشان ادبیات را پیش مرحوم ملامحمد ابراهیم اردکانی^۴ و مرحوم آخوند زین العابدین عقدائی و سطوح بالا تر را از محضر مرحوم آخوند ملاهادی در یزد فرا گرفت و آنگاه به مشهد مقدس رفته و ضمن ادامه تحصیل، به آموختن علوم هیئت و ریاضیات پرداخت و سپس روانه اصفهان شده و لدی الورود به درس علامه بزرگوار مرحوم شیخ محمد باقر نجفی فرزند شیخ محمد تقی صاحب هدایة المسترشدين (حاشیه معالم) حاضر و به لحاظ نبوغ فوق العاده علمی ای که داشت با استاد خود مأنوس گشت و در ضمن از محضر صاحب روضات الجنات، مرحوم آية الله سید محمد باقر موسوی خوانساری (متوفای سال ۱۳۱۳)، و برادرش

۱- نسب شریف ایشان به ابراهیم الغمرین حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیهم السلام منتهی می شود.

۲- فوائد الرضویة / ۵۹۷.

۳- یکی از بازماندگان آن مرحوم می گفتند که تولد سید در سال ۱۲۴۸ اقوی به نظر می رسد و قرائن نیز این امر را تأیید می کند.

۴- در اعیان الشیعة آمده است که: مولی حسن بن محمد بن ابراهیم بن محتشم الاردکانی استاذ السید محمد کاظم وله شرح قصیة العینة وفاته ۱۳۱۵.



آیه‌الله حاج میرزا محمد هاشم چهارسوقی (صاحب مبانی الاصول)، و مرحوم ملا محمد جعفر آباده‌ای استفاده کرده و به مرحله اجتهاد ارتقاء پیدا کرد.

هجرت به نجف اشرف

ایشان بعد از طی مراحل ذکر شده در سنه ۱۲۸۱ با اذن و اجازه و اخذ معرفی نامه از استادش مرحوم آیه‌الله شیخ محمد باقر نجفی به اتفاق آقاجفی (فرزند استاد) راهی نجف شده و در مدرسه صدر حجره گرفتند (گویا در اصفهان هم، در مدرسه صدر حجره داشته‌اند) و در درس حضرات آیات عظام، مرحوم میرزای شیرازی و مرحوم شیخ راضی پسر شیخ محمد الجعفری (فقیه بزرگ عرب) و مرحوم آیه‌الله شیخ مهدی جعفری و مرحوم شیخ مهدی آل کاشف الغطاء، حاضر شده و از افادات آن بزرگان بهره‌های فراوانی بردند.

برگرسی تدریس

بعد از هجرت مرحوم میرزای شیرازی به سامراء، مرحوم سید، حوزه درسی تشکیل می‌دهد و در کمترین مدت، حوزه درسی او مشحون از طلاب و فضلاء شده و بعضی تعداد آنان را تا ۲۰۰ تن ذکر کرده‌اند و هر چه از زمان تشکیل آن می‌گذشت به تعداد شرکت کنندگان افزوده می‌گردید.

در خصوص حوزه درسی ایشان صاحب «احسن الودیعه» می‌نویسد:^۱
وكانت حوزه الباهرة في هذه الاواخر اجمع وأوسع وأسد وأنفع من اكثر مدارس فقهاء عصره وفضلاء مصره...

یعنی: حوزه درسی درخشان ایشان در این اواخر، جامع‌تر و وسیع‌تر و متقن‌تر و نافع‌تر از سایر درسهای فضلاء دیگر آن زمان بود.

اسامی تعدادی از شاگردان آن مرحوم

۱ - مرحوم آیه‌الله آقاسید یحیی که بعد از وفات مرحوم آقامیرزا سیدعلی مدرس

۱ - احسن الودیعه ج ۱/۱۵۳.



- (متوفای ۱۳۱۶)، ریاست علمی حوزه علمیه یزد را داشت.
- ۲ - مرحوم آیه الله آقا سید حسین مدرس باغ گندمی که مجتهدی بزرگ وزاهدی واقعی و عابدی بی نظیر بود.
- ۳ - مرحوم آیه الله حاج میرزا آقا، فرزند مجتهد بزرگ، آقا محمدجعفر که در زهد و مقام علمی در یزد کم نظیر بوده است.
- ۴ - مرحوم آیه الله آقا سید محمد فیروزآبادی (متوفای ۱۳۴۵ هـ. ق) که بعد از استاد، مرجع تقلید جمع کثیری از اهالی یزد گردید.
- ۵ - مرحوم آیه الله آقا شیخ احمد کاشف الغطاء (متوفای ۱۳۴۴ هـ. ق) که از مراجع تقلید بود و در میان عربها مقلدان فراوانی داشت.
- ۶ - مرحوم علامه شیخ محمدحسین کاشف الغطاء که ایشان و برادرش مرحوم آیه الله شیخ احمد از افتخارات اسلام و تشیع و دو وصی آن بزرگوار بوده اند.
- ۷ - مرحوم حاج سید عبدالحی یزدی که سالیان درازی در پونۀ هند و یزد، اول شخص روحانی آمر به معروف و ناهی از منکر محسوب می شدند.

بخشی از مؤلفات آن مرحوم

- ۱ - حاشیه بر مکاسب. که چند بار چاپ شده است.
- ۲ - رساله فی حکم الظن المتعلق باعداد الصلاة وفعالها وکیفیه صلاة الاحتیاط. به ضمیمه کتاب اول، به چاپ رسیده است.
- ۳ - عروة الوثقی این کتاب که در برگزیده ابواب: طهارت، صلوة، زکات، خمس، صوم، حج، و قسمت زیادی از معاملات می باشد و مجموعاً محتوی ۳۲۶۰ مسأله است، همواره مورد توجه مراجع تقلید بوده و دهها نفر از مراجع معظم آن را تحشیه کرده و یا شرحی بر آن نوشته اند. که از آن جمله شرح مرحوم آیه الله العظمی حکیم و مرحوم آیه الله شیخ محمدتقی آملی و عالم پرهیزکار مرحوم حاج شیخ عباس قمی (متوفی ۱۳۵۹) بخش اول آن را به فارسی ترجمه و عالمی دیگر آن را تتمیم و به نام غایة القصوی به چاپ رسیده است. و این ترجمه هم مورد توجه مراجع تقلید بوده و برخی آن را تحشیه کرده اند.



- ۴ - رساله فی التعادل والتراجیح این کتاب به سال ۱۳۱۰ هـ پایان رسیده و در ۱۳۱۶ هـ در تهران چاپ شده است.
- ۵ - الصحیفة الکاظمیة مجموعه ای از دعاء و مناجات است که خود ایشان انشاء کرده و در ۴۶ صفحه در سال ۱۳۳۷ در بغداد منتشر شده است.
- ۶ - رساله فی منجزات المریض. همراه با حاشیه مکاسب، چاپ شده است.
- ۷ - بستان راز و گلستان نیازا مناجات نامه فارسی ایشان است که در بغداد در ۳۵ صفحه چاپ شده و در همین شماره این مجله تجدید چاپ شده است.
- ۸ - السؤال و الجواب جزء اول آن در سال ۱۳۴۰ (هـ) در ۴۰۸ صفحه در نجف به طبع رسیده و کتاب فقهی ارزنده ای است.
- ۹ - رساله اجتماع امر و نهی چاپ سنگی شده است.
- ۱۰ - ملحقات عروة الوثقی که جداگانه چاپ شده است و رساله های دیگر

آثار خیره

یکی از مهمترین آثاری که از این مرد بزرگ به یادگار مانده، مدرسه علمیه ایشان در نجف اشرف و کتابخانه آن است که یکی از شاگردان محترم آن بزرگوار در ارتباط با تاریخ بناء آن گفته است:

استها بحر العلوم والتقی
محمد الکاظم من نسل طبایا
وفی بیوت اذن الله [۱۳۳۱] اتی

تاریخها الایحذف ما ابتداء
یعنی اگر او را از «کلمه وفی بیوت» حذف کنیم مابقی آن که ۱۳۲۵ خواهد بود،

۱ - الذریعة ج ۳/۱۰۸.

۲ - احسن الودیعة ج ۱/۱۵۶.



تاریخ بنای آن مدرسه است.

فرزندان دانشمند آن مرحوم

ایشان را فرزندان عالم و فاضلی بود که سه تن از آنان به نامهای سید محمد^۱ (که به نحوی مشکوک وفات کرد) و سید احمد و سید محمود در زمان حیات پدر به رحمت ایزدی پیوستند.

دو فرزند دیگر ایشان، یکی مرحوم سید اسدالله بود که کاروانسرائی را که پدرش ساخته و وقف زوار کرده بود به صورت مدرسه‌ای درآورد. و در سنه ۱۳۹۳ وفات کرد. و دیگری مرحوم سیدعلی (متوفای سنه ۱۳۷۰) بود که طبق نقل صاحب احسن الودیعه^۲ بعد از وفات پدر، قائم مقام او گردید و از علماء بزرگ و مراجع تقلید نجف محسوب می شد.

نمونه‌ای از اشعار

مرحوم سید، طبع شعر نیز داشت و در ایام فراغت گاهی به انشاء شعر می پرداخت که برخی از سروده‌های ایشان در مجموعه بستان نیاز به چاپ رسیده که رباعی زیر نمونه‌ای از اشعار معظم له است.

الهی دلی ده در آن دل تو باشی
به راهی بدارم که منزل تو باشی
بدریای فکرت فرو برده‌ام سر
الهی چنان کن که ساحل تو باشی

پرتال جامع علوم انسانی

۱ - بعد از انحلال حکومت عثمانی که انگلیس به عراق هجوم آورد مرحوم سید، حکم جهاد داد و به دفاع پرداخت و فرزند خود، آیه الله سید محمد را به جبهه فرستاد تا آنکه بواسطه خیانت بعضی جیره خواران، لشکر اسلام شکست خورد و عراق به دست انگلیسی‌ها افتاد و سید محمد از غصه به سال ۱۳۳۴ در کاظمین درگذشت و بعضی گویند که مسمومش کردند و برخی نوشته‌اند که در حمله نیروهای مهاجم به عراق، شهید شد.

۲ - احسن الودیعه ج ۱/ ۱۵۶



شخصیت سید از زبان بیگانه

یکی از سران انگلیس که در حدود سال ۱۳۳۳ موفق به ملاقات سید شده بود در این خصوص چنین می گوید:

سید که بسیار پیر بود و عمامه کوچک سفیدی بر سر داشت (گویا در منزل شال کوچک سفیدی بر سر می بستند) و محاسن و ناخنهایش با حنای قرمز خیلی خوب رنگ شده بود و درخشندگی خاصی داشت. بیرون آمد و با کمال سردی و بی اعتنائی به ما خوش آمد گفت و ما را روی حصیری که در بیرون اتاقش افتاده بود، نزدیک خود نشاند من متوجه تأثیر و نفوذ زیاد و حسن شهرت او بودم، در خطوط صورت او قوه جاذبه ای وجود داشت و چشمانش خاکستری و خسته می نمود و در وجود نحیف و خسته او یک قدرت و نفوذ خارق العاده موجود، و بیان او سحرآمیز بود که من کمتر در کشورهای اسلامی نظیر آن را دیده بودم. و بعد می گوید: سید با کمال وقار پاکت پول ما را به طرف ما پس زده و با عزمی راسخ گفت که هنوز موقع آن نرسیده است، تا آنجا که می گوید:

من اطمینان حاصل کردم که با او نمی توان صحبت پول کرد و مقام عالی او قابل خرید و فروش نیست و بسیار خوشوقت است که در این باب با او صحبتی ننمائیم و البته چنین وضعی را در کشورهای مصر و حجاز که همه برای پول بدنبال مامی دوند نمی توان یافت^۱.

داستان خواندنی دیگر

موقعی که ارتش انگلستان وارد عراق شد و با مقاومت مردم مسلمان عراق مواجه شدند، از جمله کسانی که با آنان مقابله کردند اهل نجف اشرف بودند. زمانی که انگلیس برعراق تسلط کامل یافت، در مقام انتقامجویی از اهالی نجف اشرف برآمد و در این رابطه حاکم انگلیس به حضور مرحوم سید محمد کاظم یزدی (قده) آمده و عرض کرد: دولت از شما خواهش می کند که نجف اشرف را ترک گوئید و به کوفه بروید زیرا دولت می خواهد اهالی نجف را تأدیب نماید.

۱ - کتاب «وفادار باشید» تألیف حضرت آقای حاج شیخ نصرالله شبستری دامت برکاته.



مرحوم سید (قده) فرمودند: من به تنهایی خارج شوم یا با اهل بیتم؟
حاکم گفت: شما و اهل بیتتان. آن مرحوم فرمودند: اهل نجف، اهل بیت من هستند
پس من خارج نمی شوم. بگذار آنچه به اهل بیت من می رسد به من هم برسد و به برکت این
استقامت و پابرجائی مرحوم سید، اهل نجف اشرف از شر انگلیس در امان ماندند^۱.

فتواء درباره جهاد با استعمار غرب^۲

دولت ایتالیا قوای خود را برای اشغال کشور لیبی در شمال آفریقا به حرکت در آورده
و مملکت ایران نیز از شمال در اشغال قوای روس و از جنوب مورد هجوم استعمار انگلستان بود
و در آن زمان آن مرحوم فتوای زیر را صادر کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم

در این ایام که دول اروپائی مانند ایتالیا به طرابلس غرب [لیبی] حمله
نموده و از طرفی روسها شمال ایران را با قوای خود اشغال کرده اند. و
انگلیسها نیز نیروهای خود را در جنوب ایران پیاده کرده اند و اسلام را در
معرض خطر نابودی قرار داده اند. بر عموم مسلمین از عرب و ایرانی واجب
است که خود را برای عقب راندن کفار از ممالک اسلامی مهیا سازند. و از
بذل جان و مال در راه بیرون راندن نیروهای ایتالیا از طرابلس غرب و اخراج
قوای روسی و انگلیسی از ایران هیچ فروگذار نکنند زیرا این عمل از
مهمترین فرایض اسلامی است تا به یاری خداوند دو مملکت اسلامی از
تهاجم صلیبی ها محفوظ بماند.

محمد کاظم طباطبائی

صفات فاضله و اخلاق حسنه معظم له

با اینکه مرحوم سید بعد از مرحوم آخوند خراسانی (مؤلف کفایة الاصول) و آیه الله شیخ

۱ - نقل از کتاب پندهائی از رفتار علمای اسلام/ ۱۴ با نقل به معنی.

۲ - نهضت روحانیون ایران ج ۱/ ۲۰۹.



محمد طه نجف (متوفای ۱۳۲۳) زعیم علی الأطلاق و مرجع تقلید عامه شیعه در سراسر جهان اسلام بود، ولی زندگی طلبگی خود را فراموش نکرده و همچنان زاهدانه می زیست. نقل شده است که یکی از بزرگان حوزه قم روزی به اطاق خصوصی سید رفته و گوشه اطاق یک دیزی (یعنی دیگ کوچک دسته دار) می بینند از ایشان سؤال می کنند این چیست؟ سید جواب می دهند: **دیگ زمان طلبگی من هست گذاشته ام این یالا، جلوی چشمم که خود را فراموش نکنم.**

او در امر تحصیل و کسب کمالات معنوی از جمله جدی ترین دانشمندان عالم اسلام به شمار می آید.

جناب ایشان قلباً مردم را دوست می داشت و متقابلاً مردم نیز او را دوست داشته و به او عشق می ورزیدند و مردم نجف او را پدر می خواندند و اعراب صحرائین از خاک پای او برداشته و در کیسه می کردند و به چادر خود برده و بهننگام میگویند خوردن می گفتند: **بحق تراب قدم السید^۱** و این حاکی از مردم خواهی و حسن سلوک ایشان با هموعان و پیروان خود بوده است.

ولی با این همه نسبت به خصوصیات علمی افراد سخت گیر بوده و حتی نقل کرده اند که: **به آسانی به هرکسی اجازه اجتهاد نمی دادند.**

مرحوم سید مجسمه صبر و بردباری بود و نسبت به اقدامات خصمانه مخالفین سیاسی و عوامل فشار موجود در آن زمان، واکنش نامناسبی نشان نمی دادند و صبر می نمودند.

اوصیاء آن مرحوم

ایشان با حضور رؤسا و بزرگان نجف و اولاد و احفاد خود چهار وصی معین کردند که عبارتند از:

علامه بزرگ مرحوم شیخ احمد کاشف الغطاء.

علامه بزرگ مرحوم شیخ محمدحسین کاشف الغطاء.



علامه بزرگ مرحوم آقا میرزا محمود تبریزی
علامه بزرگ مرحوم آقا شیخ علی مازندرانی

این چهار تن موظف شدند که تمامی موجودی وجوہات شرعیہ سهم امام (ع)، سهم سادات و کفارات و مظالم را که هرکدام جداگانه در دفتری ضبط شده بود، به مرجع تقلید بعدی تحویل دهند.

در همین جلسه یکی از نواده گان ایشان (مرحوم حاج آقا رضا صاحب کتاب «بزم ایران») عرض می کند! شما نواده های یتیم و بی پدری دارید که تحت سرپرستی شما هستند، خوب است چیزی برای این احفاد هم تعیین کنید، مرحوم سید با ضعف شدید فرمود: احفاد من اگر متدیّن هستند خدا روزی آنها را می رساند و اگر نه چگونه از مالی که از آن من نیست به آنان کمک کنم؟

وفات ومدفن

ایشان بعد از عمری تلاش و کوشش و زحمت و محنت بالأخره در ۲۸ رجب سال ۱۳۳۷ در نجف اشرف وفات نموده و عالم اسلام را به سوگ خود نشانند و حتی بسیاری از مخالفینش را نیز مغموم ساخت و در اغلب بلاد شیعه مجالس ترحیم متعددی برگزار گشته و درگذشت چنین عالمی متقی و مجاهد بسوگ نشستند.

طبق نقل بعضی از بزرگان بعد از وفات ایشان یک هفته تعطیل عمومی شد و در بازار جلوی هر مغازه یک قاری نشسته و قرآن می خواند، و در یزد چهل روز مجالس فاتحه برگزار شد.

بعد از تشییع بی سابقه ای که از جسد پاکش به عمل آمد، در حجره جنب درب طوسی در صحن شریف مدفون گردید.

یکی از ارادتمندان در تاریخ وفاتش گفته:

فمد کاظم الغیظ نال النعیما	وحاز مقاماً وفضلاً کریما
وجاور رباً غفوراً رحیماً	فآخ لقد فاز فوزاً عظیماً

۱۳۳۷ ه.ق

* * *



مصادر این شرح حال مختصر عبارتند از:

- ۱- احسن الودیعة فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشيعة ج ۱/۱۵۶ تا ۱۵۲.
- ۲- اعیان السیعة ج ۴۶/۲۰۷ و ۲۰۶.
- ۳- فوائد الرضویة ص ۵۹۸ و ۵۹۶.
- ۴- معجم المؤلفین ج ۱۱/۱۵۷ و ۱۵۶.
- ۵- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ص ۳۸۲ و ۳۸۱.
- ۶- معجم رجال الفکر والادب خلال الف عام ص ۲۸۵.
- ۷- شهداء القضاة (باورقی) ص ۲۵۱.
- ۸- علماء معاصرین ص ۱۱۴، ۱۱۳.
- ۹- مرگی در نور ص ۹۷ تا ۹۳.
- ۱۰- سلسله مراجع تقلید شیعه از کلینی تا بروجردی ص ۴۹ و ۴۸.
- ۱۱- الدرر البهیة ص ۱۷۴.
- ۱۲- ماضی النجف وحاضرها ج ۳/۸، ۹، ۱۲۱، ۱۸۴، ۱۹۸، ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۶۹، ۲۸۵، ۳۷۲، ۲۸۹.
- ۱۳- یادداشت های جناب حجة الاسلام والمسلمین سید جواد مدرسی یزدی.
- ۱۴- ریحانة الادب ج ۶/۳۹۲.
- ۱۵- الذریعة ج ۳ و ۱۵/۳۵۲.
- ۱۶- پندهائی از رفتار علماء اسلام ص ۱۴.
- ۱۷- علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی / ۳۴۷.
- ۱۸- اختران تابناک ج ۱/۳۸۷.
- ۱۹- فقهای نامدار شیعه ۴۲۰/۴۲۲.
- ۲۰- هدیه الرازی/
- ۲۱- نهضت روحانیون ایران ج/
- ۲۲- معارف الرجال ج ۲/۳۱۶.
- ۲۳- مؤلفین ج ۵/۲۶.

